

نقش نهادها در تأمین و حفظ آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره)

(ارائه مقاله در بخش دانشجویی کنگره)

احترام سعادت فر^۱

چکیده

در این نوشتار، ابتدا به تحلیل مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره)، پرداخته می‌شود. در این راستا، نگارنده به تبیین دیدگاه امام، درباره فاعل، مانع و هدف آزادی می‌پردازد. در ادامه نقش برخی از نهادها را در تأمین و حفظ آزادی، بیان می‌کند:

- ۱- حکومت (البته حکومتی می‌تواند آزادی‌های مشروع و قانونی را تأمین و حفظ کند که قانونگرا، عدالت‌محور، و... باشد).
- ۲- خانواده؛ خانواده‌ها برای ایجاد حس آزادی‌خواهی فرزندان بایستی از دوران طفولیت، اعتماد به نفس را در آنان ایجاد و تقویت کنند و آنان را افرادی مہذب و با ایمان و مستقل بار بیاورند؛ در این صورت است که آنان هیچ‌گاه زیر سلطه اجانب نخواهند رفت و در راه آزادی کشور خود حتی جان خود را فدا می‌کنند.
- ۳- تعلیم و تربیت؛ فرزندان ما باید از طریق نهادهایی چون مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های گروهی بیاموزند که آزادند و در عین حال یاد بگیرند و تکرار و تمرین کنند. آزادی را حداقل یکبار در دوران تحصیل در جامعه با نظارت معلمان و اساتید تجربه کنند، مثلاً برای تحقق آزادی سیاسی، تجمعات قانونی را تمرین کنند. و البته اگر همه عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت در راستای هم و به صورت مکمل در یک برنامه عمل کنند، محصول آن تقویت روحیه آزادی‌طلبی و تولید فرهنگ در این راستا خواهد بود.
- ۴- دین؛ اسلام برای تمام زوایای زندگی دستوراتی دارد. از جمله مسائلی که به آن توجه کرده، آزادی انسان‌ها است.

واژگان کلیدی: آزادی، امام خمینی، حکومت، خانواده، دین، تعلیم و تربیت.

۱- کارشناسی ارشد علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران) دانشگاه باقر العلوم (ع) و سطح دو جامعه الزهرا

مقدمه

آزادی یکی از طبیعی‌ترین حقوق انسان است که خداوند همزاد با وی آفریده است. رشد و کمال انسان‌ها همواره در بستر آزادی تحقق یافته است. اندک محدودیت‌های رفتاری و گفتاری انسان‌ها در جوامع نیز در چارچوب آزادی انسان قابلیت پذیرش دارد و از منطقی استوار بهره‌مند است. امام خمینی (ره)، یکی از پرفروغ‌ترین چهره‌های مبارزات آزادی‌خواهانه است که در زمان ما ظهور کرده است. او مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران را در برابر رژیم شاهنشاهی بر پایه‌های تفکر دینی هدایت و رهبری کرد و بر همین اساس بود که پس از سقوط رژیم استبدادی، بی‌درنگ از مردم خواست که آزادانه نظام مورد قبول خود را انتخاب کنند. در میدان اندیشه، امام بر اساس آموزه‌های دین اسلام به بیان مفهوم آزادی پرداخت. بر همین اساس آزادی یکی از مفاهیم اساسی در اندیشه سیاسی او قلمداد می‌شود. مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش‌های اصلی است که آیا از دیدگاه امام، نهادها می‌توانند در ایجاد و حفظ آزادی مؤثر باشند؟ چگونه می‌توان با بهره‌گیری از یک مدل نظری خاص، به تحلیل مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی پرداخت؟ در این راستا، ابتدا به تحلیل مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره)، پرداخته می‌شود و در ادامه، نقش برخی از نهادهایی را که در تحقق و تضمین آزادی از دیدگاه امام (ره)، مؤثرند بررسی و در انتها جمع‌بندی ذکر می‌شود.

مفهوم آزادی از دیدگاه امام خمینی

مفهوم آزادی از جمله مباحث بسیار مهم و مطرح در بحث آزادی است. این واژه، از جمله واژگانی است که اندیشمندان و نظریه‌پردازان تعبیر و برداشت‌های مختلفی از آن ارائه داده‌اند. هرچند که این تعبیر مختلف است، از طرفی دارای مفهوم واحد و مشترکی هستند. این مفهوم واحد مشترک، بر اساس تحلیل مفهومی آزادی و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های آن به دست می‌آید. بر این اساس، اگر بخواهیم چنین تحلیلی را از آزادی ارائه کنیم، به مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌رسیم که عبارت‌اند از:

۱- **فاعل:** مراد از این مؤلفه، شخصی است که متصف به وجدان یا فقدان وصف آزادی است. در پاسخ به پرسش «آزادی چه کسی؟» عنصر «فاعل» مطرح می‌شود.

۲- **مانع:** مراد از این مؤلفه، شخص، اشخاص یا اشیائی است که مانع برخورداری فرد دیگری از آزادی می‌شوند. پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که «آزادی از چه چیزی و یا چه کسی؟» در پاسخ به این پرسش، مؤلفه دوم (مانع) مطرح می‌گردد.

۳- **هدف:** مراد از این مؤلفه، قصد و غرضی است که فرد برای انجام آن نیازمند برخورداری از آزادی است و یا حقوقی است که برخورداری از آن‌ها، هدف اساسی فرد است. در این جا این مؤلفه در پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود که «آزادی برای چه؟».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مفهوم آزادی دارای سه مؤلفه فاعل، مانع و هدف است. بر این اساس، می‌توان آزادی را این‌گونه تعریف کرد:

آزادی فرد یا افرادی از قید فرد یا افراد دیگر برای انجام دادن رفتاری خاص و یا برخورداری از حقوق اساسی خود.

این تعریف و تحلیل مفهومی مبتنی بر دیدگاهی است که یکی از نویسندگان غربی به نام مک کالوم^۱ طرح و بسط داده است. وی بر این باور است که مفهوم^۲ آزادی واحد و برداشت‌های^۳ صورت گرفته از آن متعدد است. از نظر وی این برداشت‌ها بر اساس تأکید بر مؤلفه‌های سه‌گانه و یا برخی از آن‌ها شکل می‌گیرد. (میراحمدی، ۱۳۸۱)

با توجه به آنچه گذشت، این پرسش مطرح می‌شود که مؤلفه‌ها و عناصر اساسی آزادی در اندیشه امام خمینی چیست؟

به نظر می‌رسد بتوان براساس مدل و الگوی مذکور به تحلیل مفهوم آزادی پرداخت و عناصر و مؤلفه‌های آن را بیان کرد. در این راستا، درصدد تبیین دیدگاه امام خمینی درباره فاعل، مانع و هدف آزادی به عنوان سه مؤلفه اساسی آزادی هستیم.

مؤلفه‌های آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره) الف- فاعل آزادی

همان‌طوری که اشاره شد، مراد از «فاعل» شخصی است که متصف به وجدان یا فقدان وصف آزادی می‌شود که می‌توان آن را این‌گونه تعبیر کرد:

«الف آزاد است یا آزاد نیست». در این عبارت، الف مؤلفه اول آزادی محسوب می‌شود. حال در این قسمت، با توجه به اندیشه امام خمینی (ره)، به دنبال توصیف ویژگی‌هایی هستیم که برای انسان به عنوان فاعل آزادی بیان شده است؛ از این‌رو لازم است دیدگاه امام خمینی (ره)، درباره انسان و ویژگی‌های آن بیان گردد، که با مراجعه به آثار و سخنان حضرت امام (ره)، انسان‌شناسی امام، آشکار می‌شود.

انسان از دیدگاه امام خمینی (ره)

اندیشمندان برای شناخت انسان به شیوه‌های مختلفی روی آورده‌اند و هر گروهی او را بر اساس هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خاصی مورد بررسی قرار داده است. انسان‌شناسی امام (ره)، در واقع بخشی از هستی‌شناسی اوست، چه او انسان را در کلیت هستی و به عنوان بخش اساسی آن مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین معنا که نگاه وی به ماهیت انسان، ابعاد وجودی و دامنه حیات و زندگانی او به جایگاه کلی او در هستی ارتباط می‌یابد. زیرا در این نگاه، انسان به عنوان آفریده خداوند متعال در نظر گرفته می‌شود که به دلیل برخورداری از قوه ناطقه و عقل توان اندیشیدن و با توجه به برخورداری از آزادی، توان اخذ تصمیم و

1 - macallum
2 - concept
3- conceptions

انتخاب راه را دارد. لذا خود انسان را اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها، موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌ها، رهایی و رستگاری اخروی و سعادت و شقاوت می‌داند (جمشیدی، ۱۳۸۵، صص ۱۶۲-۱۶۱).

انسان از دیدگاه امام خمینی(ره) دارای ویژگی‌های متعددی است که مهمترین آن‌ها - که به نوعی در ارتباط با آزادی انسان است - عبارت‌اند از:

۱) انسان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است.

انسان عصاره همه موجودات و اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند بر روی زمین است. انسان تنها موجودی است که با دو دست جمال و جلال خداوند به منصه ظهور و خلقت راه یافته است و سپس خالق هستی به این خلقت خود بر خویش مباحثات نموده و «فتبارک الله احسن الخالقین» می‌گوید. در روایات معصومین آمده است که انسان تنها موجودی است که بر صورت خداوند آفریده شده: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» (همان، ص ۱۶۴).

پس از آنجایی که انسان به صورت خداوند خلق می‌شود، صاحب عقل و شعور است و جانشین او در زمین می‌گردد - و این جانشینی تکوینی است نه اعتباری - پس انسان نیز همانند آفریدگارش دارای اختیار، قدرت و آزادی خواهد بود و هیچ امری به طور تکوینی و فطری نمی‌تواند آزادی او را مخدوش سازد (اخلاقی و شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱).

بنابراین به این دلیل که خداوند صاحب قدرت، اراده و اختیار است، نماینده و خلیفه او نیز به این صفت موصوف می‌باشد.

۲) انسان دارای نفس ناطقه و گوهر عقل است.

خداوند انسان را به گوهر عقل و اندیشه مزین ساخته و در او نفس ناطقه قرار داده است. تعقل و اندیشه جز بدون آزادی و اختیار تحقق‌پذیر نیست چه آزادی شرط عاقل و خردمند بودن است (همان).

۳) انسان فطرتاً آزاد آفریده شده است.

در دیدگاه امام خمینی(ره)، آزادی پیش از هر چیزی، حقی اولیه و فطری قلمداد می‌گردد. این حکومت‌ها و صاحبان قدرت نیستند که به مردم آزادی اعطا می‌کنند، بلکه آفریدگار انسان، او را آزاد آفریده و اختیار و آزادی را در نهاد او به ودیعه گذاشته است. حکومت‌ها نه به شهروندان آزادی می‌دهند و نه شایسته است که آن را نادیده انگارند. آزادی حقی است خدادادی که حکومت‌ها و صاحبان قدرت موظف به رعایت و پاسداری از آن هستند. امام(ره)، در رد یکی از سخنان محمدرضا پهلوی شاه سابق ایران که مدعی شده بود به مردم ایران آزادی اعطا کرده است این‌گونه برمی‌آشوبد:

«این چه وضعی است که در ایران هست؟ این چه آزادی است که اعطا فرموده‌اند آزادی را؟! مگر آزادی اعطا شدنی است؟! خود این کلمه جرم است... آزادی مال مردم هست، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده... آزادی اعطایی که آزادی - حقیقتاً - نیست.» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۰۷-۴۰۶) و نیز می‌فرمایند: «...حق اولیه بشر است که من می‌خواهم آزاد باشم، من می‌خواهم حرفم آزاد باشد» (همان، ص ۵۱۰).

بنابراین در می‌یابیم که امام (ره)، آزادی را همچون بسیاری از فلاسفه و حکیمان حقی اولیه برای عموم بشریت قلمداد می‌کند و بر همین اساس آنان را برای گرفتن چنین حقی که از حقوق طبیعی است، ترغیب می‌نماید.

تکیه‌گاه و استدلال امام در مورد طبیعی بودن آزادی برای نوع بشر و این که حقی از حقوق طبیعی و فطری او می‌باشد، نص اسلام یعنی کتاب و سنت است. چه بر اساس قرآن، انسان «اما شاکراً و اِماً کفوراً» (انسان، آیه ۳) است. امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «ولا تُكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللهُ حُرًّا» (امام علی، نامه شماره ۳۱)؛ یعنی: و هرگز بنده دیگری مباش، در حالی که حقیقتاً خداوند یکتا تو را آزاد قرار داده است.

در این دید، آزادی جعل خداوند است و جعلی است تکوینی که ریشه در نهاد و ذات انسان دارد. آری آزادی، بخشی از فطرت موجودی انسان را تشکیل می‌دهد و جزء احکام فطرت انسان است، و چون سایر احکام فطری از جمیع احکام بدیهیه بدیهی‌تر است؛ زیرا که در تمام احکام عقلیه حکمی که بدین مثابه باشد که احدی در آن خلاف نکند و نکرده باشد، نداریم (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱). آزادی بدین معنا مغایرتی با اراده و مشیت الهی نیز ندارد؛ چرا که در طول اراده و مشیت حق تعالی است و بر همین اساس، خواست انسان جز خواست خدا نمی‌باشد و چنین اراده‌ای طبعاً مستقل از اراده الهی نیست؛ از طرفی به دلیل این که اراده‌اش در عرض اراده خدا قرار ندارد، مجبور و مقهور نیز نیست. همچنین در نگاه امام (ره) عواملی چون تفاوت انسان‌ها در تشکیل خانواده، محیط اجتماعی، وراثت و غیره نمی‌توانند مانع آزادی فطری و خدادادی انسان گردند. پس انسان، مقهور این عوامل نیست. به همین دلیل، به طور فطری انسان را یک موجودی آزاد می‌داند: «انسان واقعی ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است...» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۲).
 ۴) انسان تعالی خواه و کمال جو می‌باشد.

«تعالی خواهی و کمال جویی بشر، جز با اختیار و حق‌گزینش وی نیست. از این رو، انسان‌گزیننده و آزاد و با قدرت محاسبه و ارزیابی‌گری، راه را از بی‌راه بازشناخته و بهترین آن را برای خویش برمی‌گزیند» (واسعی، ۱۳۷۹، ص ۱). گرچه او، در میان دو مرز جبری: ولادت و مرگ، می‌زید و عناصر فعالی بیرون از توان و اختیار وی، در او اثر گذارند؛ اما هرگز وی در این قلمرو ناگزیر نیست و این خود بشر است که برمی‌گزیند (همان، ص ۲) می‌سازد، به پیش می‌رود و یا در نشیب واپس‌گرایی و پستی در می‌افتد. عالم هستی نیز، در راسته خواست بشری، همراهی و همسویی دارد. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا آنچه را آدمیان می‌جویند، فراهم سازند و به این اشرف آفریده‌های هستی یاری می‌رسانند، تا به اوج و تعالی دست یابد؛ همه هستی، برای او و زمینه‌ساز پیشرفت و کمال اوست.

این ویژگی‌ها پایه و مبنای مستحکمی برای آزادی انسان فراهم می‌سازد و بدین ترتیب، روشن می‌شود که مؤلفه اول آزادی (فاعل) از نظر امام (ره)، دارای چه ویژگی‌هایی است.

ب- مانع آزادی

مؤلفه دوم آزادی، «مانع» آزادی است. بر اساس تحلیل مفهومی که ذکر شد، فرد در صورتی آزاد تلقی می‌گردد که موانعی در برابر او نباشد. پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که از دیدگاه امام

خمینی (ره)، فرد از دخالت چه مواعی باید رها باشد تا آزادی صدق کند؟ برای پاسخ به این پرسش نیز مراجعه به بیانات و نقطه نظرات حضرت امام (ره)، راهگشاست. در این جا به برخی از مواع آزادی انسان - با توجه به بیانات و نقطه نظرات امام خمینی - اشاره می‌کنیم:

۱) سلطه غیر

از دیدگاه امام (ره)، سلطه دیگری بر انسان، یکی از مواع آزادی انسان به شمار می‌رود. امام بارها به مسلمانان هشدار دادند که سلطه‌پذیر نباشند و زیر بار سلطه اجانب و ابرقدرت‌ها نروند. در این جا به بیان چند عبارت ارزشمند آن بزرگوار در این مورد می‌پردازیم:

«ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم، ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم، دستورات مذهبی ما که مترقی‌ترین دستورات است، راه ما را معین فرموده است. ما با آن دستورات و تحت رهبری بزرگمرد دنیا، محمد - صلی الله علیه و آله - با تمام قدرت‌هایی که بخواهند تجاوز کنند به مملکت ما، مبارزه خواهیم کرد.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۱۹).

«دست این اجانب باید کوتاه بشود، چقدر آمریکا باید از این مملکت ببرد و بخورد، یا انگلستان یا سایر جاها؟ ما باید یک وقت هم زنده بشویم، بیدار بشویم، ملتفت بشویم، آزادی را بگیریم. حق را باید گرفت با سرنیزه، با مسلسل باید حق را گرفت از این‌ها، خودشان که نمی‌دهند، بایستید در مقابل این‌ها.» (همان، ص ۷۵).

از منظر اسلام، سلطه و چیرگی دشمنان بر جامعه اسلامی و مسلمانان امری ناروا است؛ به طوری که اگر مبادلات و مراودات به گونه‌ای باشد که باعث توسعه نفوذ بیگانگان در جامعه اسلامی گردد و به نحوی آنها بتوانند در امور مسلمانان دخالت نمایند، چنین مبادلات و مراوداتی ممنوع شده است. امام (ره) با استناد به آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند: لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً.» (همان، ج ۴، ص ۳۱۷).

۲) هرج و مرج

یکی دیگر از مواع آزادی، هرج و مرج و بی‌نظمی است. امام (ره) در این باره می‌فرماید: «اگر شما بخواهید مملکت‌تان یک مملکت استقلال داشته باشد، آزادی در آن باشد، مملکت، یک مملکت اسلامی باشد، اول چیزی که بر همه ما لازم است، این است که از هرج و مرج جلوگیری بکنیم. نباید هرکس صبح از خواب بلند شد، هرکاری دلش بخواهد بکند...» (همان، ج ۱۰، ص ۴۸۰).

۳) رژیم دیکتاتوری (استبداد)

یکی دیگر از مواع آزادی، استبداد است. امام (ره) در این مورد می‌فرماید: «به تصدیق خود شما، خاندان پهلوی، یعنی شاه و پدرش بیش از پنجاه سال است که با دیکتاتوری بر ایران حکومت می‌کنند و با پشتیبانی قدرت‌های استعماری، از هیچ جنایتی به ملت ایران دریغ نکرده‌اند...»

هرگونه فریاد آزادی‌خواهی و اعتراض به دیکتاتوری را با سرنیزه خاموش کرده‌اند؛ قتل عام‌های مکرری در این پنجاه سال به دست این دودمان انجام شده است؛ آزادی به تمام معنی از مردم سلب شده است؛ هیچ‌گاه مردم حق انتخاب نداشته‌اند. گویندگان و نویسندگان کشته شده‌اند و یا زندانی هستند و یا ممنوع از گفتن و نوشتن... و در یک کلمه تمامی مبانی بنیادی و دموکراسی را نابود کرده‌اند...» (همان، ج ۵، ص ۲۳۰).

«... ما پنجاه سال است که در اختناق به سر بردیم، نه مطبوعات داشتیم، نه رادیو [ی] صحیح داشتیم، نه تلویزیون صحیح داشتیم، نه خطیب می‌توانست حرف بزند، نه اهل منبر می‌توانستند حرف بزنند، نه امام جماعت می‌توانست آزاد کار خودش را ادامه بدهد...» (همان، ج ۶، ص ۱۶).

اسلام نیز با دیکتاتوری مخالف است. امام (ره) می‌فرماید: «ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملت‌مان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آراء ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملت‌مان یک چیزی را تحمیل بکنیم.» (همان، ج ۱۱، ص ۳۴).

۴) تعلقات درونی

تعلقات درونی، از جمله موانع درونی آزادی محسوب می‌شود. عامل مهمی که اراده و اختیار انسان را تحت انقیاد خود در می‌آورد و آزادی او را محدود می‌سازد، تعلقات درونی و وابستگی‌های روحی انسان است. انسان باید حتی از خود نیز آزاد باشد تا بتواند بدون هیچ‌گونه مانعی روح اراده و استعداد‌های خود در همه زمان‌ها و مکان‌ها به پرواز درآورد و در راه رشد و تعالی و تکامل به جایی رسد «که به جز خدا نبیند». آزادی از تعلقات درونی موجب تکامل و تعالی و سعادت انسان می‌گردد. در اندیشه امام (ره)، آزادی حقیقی، آزادی درونی، رهایی از قید نفس و سیر به سوی کمال است و آزادی بیرونی تا جایی می‌تواند برای ایشان اولویت داشته باشد که زمینه‌ساز این آزادی درونی گردد (قاضی زاده، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۹۶).

امام می‌فرماید: «شما باید خودتان را بسازید و بعد ملت را بسازید... تهذیب نفس، وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا؛ که سرمنشأ همه کمالات، وارسته شدن نفس از تعلقات است، و بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است...» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۶۷).

امام آزادی و هر مقوله سیاسی دیگر را تا جایی به رسمیت می‌شناسد که در مسیر تحقق فلسفه نهایی اسلام یعنی سعادت دنیوی و اخروی و به عبارت دقیق‌تر همان آزادی درونی و سیر به سوی کمال باشد: «ما آزادی که اسلام تو [ی] آن نباشد، نمی‌خواهیم... آزادی و استقلال بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد؟» (همان، ج ۷، ص ۴۵۹).

در مکتب اسلام، کنترل نفس و مراقبت انسان از خویشتن یک اصل بنیادی برای همه انسان‌ها و در تمام کارها است؛ انسان در اندیشه اسلامی نه فقط از سلطه بیگانه و تحقیر و استعمار اجنبی آزاد است، بلکه حتی به معنای عرفانی با آزادی از سلطه نفس اماره و هواهای شیطانی نیز آزادی از هر چیزی که رنگ تعلق پذیرد، مصون است.

۵) عدم خودکفایی

امام خمینی (ره) بر این باور است که اگر خودکفایی نباشد به آزادی حقیقی نخواهیم رسید: «اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنید و آزادی حقیقی پیدا بکنید، باید کاری بکنید که در همه چیز خودکفا باشید، مستغنی باشید...» (همان، ج ۱۰، ص ۴۳۵).

۶) تقلید کورکورانه

از دیدگاه امام خمینی (ره)، تقلید کورکورانه، یکی دیگر از موانع آزادی است. «آنان [استکبار] ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۵).

۷) بی‌عدالتی

در جامعه‌ای که عدالت وجود ندارد، تبعیض حاکم است و تبعیض منشأ عمده فسادها، اختلافات و هرج و مرج‌ها در جامعه است. جامعه مبتنی بر تبعیض، جامعه نامتعادل و ناهمگون است. در چنین جامعه‌ای افراد نمی‌توانند به آزادی‌های مشروع خود دست یابند. آزادی در تمام انواع و بخش‌ها از عدالت سرچشمه می‌گیرد. عدالت است که فرد را آزاد ساخته و به افراد اجتماع در روابط و مناسباتی که با هم دارند، آزادی داده و نیز عدالت است که در سیاست، اقتصاد، اندیشه و دیگر کارها به انسان آزادی بخشیده است. در طول تاریخ، هرگاه انسان‌ها از آزادی محروم شده‌اند، از بی‌عدالتی بوده است. به زندان رفتن آزادیخواهان و آواره شدن آنها از وطن و کشته شدن مردان خدا، از امامان معصوم تا افراد عادی، همه از بی‌عدالتی حاکمان و زمامداران خودسز بوده است. (شریعتمدار جزائری، ۱۳۸۰، ص ۷۸). به عقیده امام (ره)، عدالت به‌گونه‌ای است که با تحقق آن اهداف دیگر از جمله آزادی، استقلال و رفاه، نیز تحقق می‌یابد و بدین‌سان آزادی در پرتو عدالت شکل می‌گیرد: «عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی، همه و همه، در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۱۵).

ج- هدف آزادی

مؤلفه سوم آزادی، بیانگر هدفی است که برای رسیدن به آن، انسان به عنوان مؤلفه اول، از دخالت موانع به عنوان مؤلفه دوم، آزاد و رهاست. در این‌جا نیز لازم است با مراجعه به بیانات و نقطه‌نظرات حضرت امام خمینی (ره)، برخی از اهداف آزادی انسان را بیان کنیم:

۱) رشد انسان

انسان‌ها برای رسیدن به رشد و تعالی و برای رسیدن به کمال نیازمند آزادی هستند و امام (ره)، بر این مطلب تأکید داشتند:

«این آزادی که الان برای ملت ما هست، برای زن، برای مرد، برای نویسنده‌ها، [برای چیزها]، این آزادی، آزادی است در کلیه اموری که این امور به نفع خود شما هست... تمام چیزهایی که در رشد انسان، در رشد خواهرها و برادرها و این کودکان عزیز دخالت دارد، این‌ها همه آزاد هستند، آنی که اسلام جلویش را گرفته و آزاد نیست قماربازی است که تباہ می‌کند ملت را...» (همان، ج ۱۰، ص ۱۸۸)

۲) آزادی، وسیله خدمت به خلق و خالق

«آیا ما با بندگان خدا به طوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است رفتار می‌کنیم؟ حالا که آزاد شدیم، آزادی را وسیله برای خدمت به خلق و خدمت به خالق قرار می‌دهیم، یا آزادی را برای مخالفت با خدا و استکبار بر مردم؟» (همان، ج ۷، ص ۴۸۹).

۳) رهایی از قید استعمار

«... با همه فشارها و قلدری‌ها، طلیعه به دست آوردن آزادی و رهایی از قید استعمار است...» (همان، ج ۳، ص ۱۰۱).

۴) برچیده شدن فشار و اختناق

«جامعه آینده ما، جامعه آزادی خواهد بود و همه نهادهای فشار و اختناق و همچنین استثمار از میان خواهد رفت» (همان، ج ۴، ص ۳۵۹).

۵) رسیدن به سعادت حقیقی که آن قرب الی الله است.

نقش نهادها در تأمین و حفظ آزادی

تأمین آزادی در حوزه زندگانی اجتماعی و سیاسی و همچنین حفظ آزادی در حریم خصوصی زندگی یکی از بزرگترین آرزوها و آرمان‌های انسانی تلقی می‌گردد و تحقق این امر در گرو ضمانت‌های کارآمد و نهادینه شده‌ای است که توانایی حفظ و تأمین آزادی را به صورتی کامل و همه جانبه داشته باشند. حال سؤال این است که چگونه می‌توان از این حقوق پاسداری نمود؟ به نظر نگارنده، با توجه به اندیشه امام خمینی (ره)، می‌توان چنین برداشت نمود که در تأمین و حفظ آزادی، برخی از نهادها نقش مؤثر و بنیادی دارند. در این قسمت با توجه به بیانات و آثار حضرت امام (ره)، به برخی از نهادهایی که در تأمین و حفظ آزادی نقش دارند، پرداخته می‌شود.

۱- حکومت

حکومت از جمله نهادهای اساسی و ضروری جامعه است؛ چرا که با وجود حکومت است که جامعه از هرج و مرج و بی‌نظمی نجات پیدا می‌کند و شهروندان می‌توانند به آزادی‌های مشروع خود برسند. البته نه هر حکومتی؛ حکومتی می‌تواند آزادی‌های مشروع و قانونی مردم را تأمین و حفظ کند که ویژگی‌هایی داشته باشد. این ویژگی‌ها با توجه به بیانات و آثار امام در ادامه ذکر می‌شود.

ویژگی‌های حکومت از دیدگاه امام خمینی (ره)

۱) حاکمیت قانون

به اعتقاد اندیشمندان علوم سیاسی و حقوق، نخستین شرط و مهمترین شرط تحقق و تضمین حقوق و آزادی‌های افراد در جامعه و اجتماع سیاسی، استقرار نظام سیاسی و ابتدای حکومت بر اساس قانونی است که در آن حقوق و آزادی‌های انسان اعلام و به رسمیت شناخته شده و مکانیسم اجرای آن‌ها مشخص شده باشد. همواره بزرگترین خطر و تهدید برای آزادی از جانب قدرت سیاسی و نظام حاکم بر جامعه بوده است؛ و امروزه مهمترین اهرم محدودکننده قدرت، وجود قانون است. (تمیمی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۷).

می‌توان گفت که اصل حاکمیت قانون از مهمترین روش‌های تحقق و تضمین آزادی در جوامع انسانی می‌باشد. حاکمیت قانون یک مفهوم عام و فراگیر است که شامل کلیه قوای حکومتی می‌باشد؛ به این معنی که کلیه فعالیت‌های عمومی اعم از قانونگذاری، قضائی، اجرائی و اداری تابع قانون هستند و افراد می‌توانند با مراجعه به مراجع قضایی صلاحیت‌دار از تخلف و تخطی آنها جلوگیری کنند. (همان، ص ۳۱۳).

در اصطلاح حقوقی، نظامی که بر پایه اصل حاکمیت قانون باشد، رژیم قانون یا حکومت قانون نامیده می‌شود. و می‌توان گفت برقراری حکومت قانون، اصلی‌ترین مؤلفه یک جامعه مدنی، و تضمینی اساسی برای تأمین حقوق و آزادی‌های افراد می‌باشد. (همان)

قانون برای این‌که حکومت نماید می‌بایست از خصوصیات بر خوردار باشد، از جمله:

۱-۱ قانون باید قاعده‌ای باشد که در آن ذکری از موارد جزئی یا افراد خاص نیامده باشد و از قبل برای تطبیق بر کلیه موارد و همه افراد به طور مطلق وضع شده باشد.

۱-۲ قانون باید مشخص و روشن باشد.

۱-۳ قانون نباید عطف به ماسبق شود. (جمشیدی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷).

حاکمیت قانون با توجه به ویژگی‌های ذکر شده، از جمله روش‌های تضمین، تحقق و تداوم آزادی می‌باشد. به عبارت دیگر از دیدگاه آزادی، عام و غیرشخصی بودن قانون، تضمینی برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی به شمار می‌آید و نحوه تصویب قانون، تشریفات قانونگذاری و تصویب قانون را زیر انتقاد و نظارت افکار عمومی قرار می‌دهد و احتمال هرگونه توطئه یا اقدام شتابزده و یا نسنجیده علیه حقوق فردی را اگر نگوئیم منتفی می‌سازد، به حداقل ممکن می‌رساند. همچنین عطف به ماسبق نشدن قانون تضمین دیگری از لحاظ آزادی است. (طباطبایی مومنی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷-۱۹۶).

حاکمیت قانون در اندیشه امام یک اصل بنیادی می‌باشد؛ چنان‌که می‌فرمایند:

«ما می‌خواهیم یک حکومتی داشته باشیم که این حکومت قانون را ملاحظه بکند، حکومت قانونی باشد. آن حکومتی که تمام قوانین بشری را، تمام قوانین عالمی را زیر پا بگذارد و هر جوری دلش بخواهد با یک ملتی عمل بکند، ما با او مخالفت داریم. ما می‌خواهیم یک حکومتی باشد مثل حکومت اسلام که غیر از قانون هیچ چیز حکومت نکند، هیچ؛ قانون فقط حکومت بکند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۰۷-۴۰۶).

با توجه به بیانات و سخنان امام خمینی، می‌توان چنین برداشت کرد که، ایشان به منظور جلوگیری از دیکتاتوری، بر لزوم حاکمیت قانون و تبعیت از آن تأکید داشتند. مراد امام از حاکمیت قانون و لزوم تبعیت از آن از سوی آحاد ملت، هم قوانین الهی است و هم قوانین موضوعه مدنی؛ ایشان در خصوص حاکمیت قانون الهی و تبعیت از آن معتقدند:

«حاکم درحقیقت قانون است. همه در امان قانونند، در پناه قانون اسلامند. مردم و مسلمانان در دایره مقررات شرعی آزادند... هرگاه حکومت اسلامی تأسیس شود، همه در سایه قانون با امنیت کامل به سر می‌برند، و هیچ حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قانون شرع مطهر قدمی بردارد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۷۳).

از نظر امام خمینی (ره)، مخالفت با اجرای قانون به معنای دیکتاتوری است: «اگر یک‌جایی عمل به قانون شد و یک گروهی در خیابان‌ها بر ضد این عمل بخواهند عرض اندام کنند، این همان معنای دیکتاتوری است که مکرر گفته‌ام که قدم به قدم پیش می‌رود... اگر قانون در یک کشوری عمل نشود، کسانی که می‌خواهند قانون را بشکنند این‌ها دیکتاتورانی هستند که به صورت اسلامی پیش آمده‌اند یا به صورت آزادی و امثال این حرف‌ها» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۱۵).

۲) اصل تفکیک قوا

یکی دیگر از ویژگی‌های حکومتی که بتواند آزادی‌های فردی، اجتماعی و... را در جامعه تأمین و حفظ کند، این است که در ساختار حکومت تفکیک قوا وجود داشته باشد. تفکیک قوا اصلی است که بر اساس آن اقتدارات حکومتی جامعه به اجزائی چند تقسیم می‌گردد و هر بخشی از آن در اختیار نهادی از نهادهای سیاسی - اجتماعی قرار می‌گیرد. بدین معنا که به جای این‌که کلیت قدرت سیاسی جامعه در اختیار یک نهاد باشد و از جانب آن اعمال گردد، قدرت سیاسی جامعه به وسیله چند نهاد که در عرض یکدیگر قرار داده، تحقق خواهد یافت. تفکیک قوا در اصل نوعی تقسیم کار سیاسی است که به تعبیری جلو سوءاستفاده مستبدان و قدرت‌طلبان را از قدرت عمومی جامعه می‌گیرد. تفکیک قوا باعث افزایش آزادی‌های فردی در جامعه می‌شود. تفکیک قوا یکی از مؤلفه‌های مهم جامعه مدنی است. امام خمینی، اصل تفکیک قوا را بر اساس قانون اساسی ضروری دانسته و عدم مداخله قوا در وظایف یکدیگر را مفروض گرفته‌اند؛ چنان‌که خطاب به سران سه قوه می‌فرمایند: فقط سعی کنید هر یک، وظیفه خویش را خوب انجام دهد و در محدوده وظیفه قوای دیگر داخل نشوند تا استقلال هیچ یک از قوا خدشه‌دار نشود... (همان، ج ۱۳، ص ۶۲).

در خصوص اهمیت وجود قوه مجریه ایشان معتقدند:

«جعل قانون به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. پس از تشریح قانون، باید قوه مجریه‌ای به وجود آید. در یک تشریح یا در یک حکومت اگر قوه مجریه نباشد، نقص وارد است. به همین جهت اسلام همان‌طور که جعل قوانین کرده، قوه مجریه هم قرار داده است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۲۱).

همچنین ایشان در خصوص استقلال قوه قضائیه از آن حیث که ملجأ و پناه مردم است، مکرر تأکید نموده و اهمیت آن را به مسئولان گوشزد نموده‌اند: «قوه قضائیه، که ملجأ و پناهگاه مردم ستم‌دیده است، قوه‌ای است مستقل و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد. و اگر کسانی پیدا شوند که ندانسته در امور قضائی دخالت می‌کنند، باید بدانند که برخلاف دستورات شرعی و نظام جمهوری اسلامی عمل کرده‌اند. و اگر دانسته تخلف می‌کنند، مستحق عقاب و تعقیب‌اند» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۳۹).

۳) نظارت فقیه عادل (رهبر)

یکی دیگر از ویژگی‌های حکومت مطلوب این است که فقیه عادل (رهبر) بر نهادهای قانونی و سیاسی نظارت داشته باشد. در واقع می‌توان گفت که یکی از عوامل مهم و مؤثر در تأمین حقوق و آزادی‌های مردم، مسئله نظارت از ناحیه شرع یا از ناحیه قانون است که این موضوع مورد توجه امام خمینی نیز قرار گرفته است. بر اساس نظر او، فقیه یا مجتهد عادل مورد نظر مردم یا منتخب آنها با نظارت خود بر نهادهای قانونی و سیاسی می‌تواند جلو تضییع حقوق، آزادی‌های فردی، زورگویی و استبداد را بگیرد و رعایت حقوق ملت را به وسیله نهادهای گوناگون دولتی تضمین نماید. از آن‌جا که رهبر، عادل است نه به ستم دست می‌یابد و نه حق تجاوز به حریم آزادی‌های مردم را دارد. در این نگرش، فرض اولیه این است که عدالت او، او را از تجاوز به حریم آزادی‌ها باز می‌دارد و مانع از ستم و استبداد می‌گردد. به علاوه ملت در انتخاب و رسیدن او بر رهبری نقش دارند و حتی با فرض شرایطی چون علم در سطح اجتهاد و عدالت، مردم او را برمی‌گزینند. (جمشیدی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۷).

«ولایت فقیه... یک نفر آدمی که همه جهات اخلاقی و دینانیش و ملی بودنش و علم و عملش ثابت است پیش ملت، و خود ملت این را تعیین می‌کنند» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۲۶-۵۲۵).

انتخاب رهبر جامعه اسلامی همان‌گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده توسط خبرگان منتخب مردم صورت می‌گیرد: «اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آن‌ها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولیّ منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۷۱).

مهم این است که در نگاه امام، نظارت رهبر، نظارت شرعی و قانونی تلقی می‌شود؛ زیرا او تحت قانون عمل می‌کند و مجری قانون و شرع است و چون در برابر قانون و شرع و نیز در برابر مردم که او را به عنوان رهبر انتخاب کرده‌اند، مسئول است، لذا ناظر بر اجرای قانون است. «همه تحت قانون عمل می‌کنند. مجری قانون هستند همه، هم فقیه و هم غیرفقیه همه مجری قانون‌اند. فقیه ناظر بر این است که این‌ها اجرای قانون بکنند، خلاف نکنند؛ نه این‌که می‌خواهد خودش یک حکومتی بکند، بلکه می‌خواهد نگذارد این حکومت‌هایی که اگر چند روز بر آنها بگذرد برمی‌گردند به طاغوتی و دیکتاتوری، می‌خواهد نگذارد بشود.» (همان، ج ۱۰، ص ۳۵۳).

۴) نظارت مردمی (امر به معروف و نهی از منکر)

یکی از ویژگی‌های حکومت مطلوب این است که مردم بتوانند نسبت به عملکرد و رفتار متصدیان امور جامعه نظارت داشته باشند و بتوانند امر به معروف و نهی از منکر کنند. امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به عنوان دو امر واجب در نظر گرفته شده‌اند که بیان‌کننده مسئولیت انسان نسبت به افراد و جامعه و سرنوشت مشترک خود و دیگران می‌باشد. فلسفه اساسی تشریح امر به معروف و نهی از منکر، نفی سلطه اشرار، برپایی حق و حقیقت و عدالت و آزادی و آبادانی جوامع بشری است. مهمترین بُعد امر به معروف و نهی از منکر نظارت عمومی نسبت به عملکرد و رفتار متصدیان امور جامع می‌باشد؛ چه در این‌جا علاوه بر تحقق دو فرضیه اساسی، رعایت حقوق انسان‌ها و مقابله با حق‌کشی و ستم نیز مورد توجه است. این موضوع در اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده که در سه بُعد (مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت) مورد توجه واقع شده است.

بُعد سوم امر به معروف و نهی از منکر، یعنی مردم در برابر دولت که در قالب نظارت و مسئولیت عمومی تحقق می‌یابد، یکی از مهمترین ابزارها و وسایل تأمین و حفظ آزادی‌های عمومی و حقوق فطری افراد جامعه می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۹).

امام خمینی این موضوع را هم به مردم و هم به مسئولین امور گوشزد می‌نماید که نظارت عمومی و مسئولیت در برابر دولت وظیفه افراد جامعه است. به عنوان نمونه می‌فرماید:

«الان مکلفیم ما، مسئولیم همه‌مان، همه‌مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان؛ مسئول کارهای دیگران هم هستیم "کُلُّکُمْ رَاعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ" همه باید نسبت به همه رعایت بکنند... اگر من پام را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگوید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟... اُمت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند.» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۸۸-۴۸۷).

۵) عدالت

یکی دیگر از ویژگی‌های حکومت مطلوب این است که عدالت‌محور باشد و عدالت در تمام ابعاد آن در جامعه اجرا شود چرا که آزادی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، جزایی و آزادی در تمام انواع و بخش‌ها از عدالت سرچشمه می‌گیرد. عدالت است که فرد را آزاد ساخته و به افراد اجتماع در روابط و مناسباتی که با هم دارند، آزادی داده و نیز عدالت است که در سیاست، اقتصاد، قضا، اندیشه و دیگر کارها به انسان آزادی بخشیده است. در طول تاریخ، هرگاه انسان‌ها از آزادی محروم شده‌اند، از بی‌عدالتی بوده است. به زندان رفتن آزادی‌خواهان و آواره شدن آنها از وطن و کشته شدن مردان خدا از امامان معصوم علیهم‌السلام تا افراد عادی، همه از بی‌عدالتی حاکمان و زمامداران خودسز بوده است. خداوند عادل است و از عدالت خود، انسان را آزاد آفریده و به انسان آزادی داده و اراده و اختیار را در نهاد او قرار داده است (شریعت‌مداری جزائری، ۱۳۸۰، ص ۹۰).

امام خمینی در پیوندی که عدالت و آزادی با یکدیگر دارند، چنین می‌گوید:

«جمهوری اسلامی، عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی همه و همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود». (صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۱۵).

امام (ره)، در این سخن به روشنی بیان کرده است که آزادی از عدالت سرچشمه می‌گیرد و اگر در جامعه عدالت اجرا شود، آزادی و استقلال و رفاه به دنبال آن خواهد آمد و پیوند عدالت و آزادی پیوند علت و معلول است. «ملت ایران مسلمان است و اسلام را می‌خواهد؛ آن اسلامی که در پناه آن، آزادی و استقلال است، رفع ایادی اجانب است، هدم پایگاه‌های ظلم و فساد است، قطع کردن دست‌های خیانتکاران و جنایتکاران است.» (همان، ج ۱، ص ۲۵۰).

بدین ترتیب، از نظر امام (ره)، مسلمانان اسلامی را می‌خواهند که در آن هم آزادی و هم عدالت هر دو وجود داشته باشد. و پیدایش یکی از آن‌ها بدون دیگری امکان ندارد. حضرت امام خمینی (ره)، طرز حکومتی را پیشنهاد می‌دهند که اساسش بر عدالت، آزادی و استقلال باشد: «طرز حکومتی که ما پیشنهاد می‌کنیم، حکومت جمهوری اسلامی است و اساسش بر آزادی و استقلال کشور و عدل و تعدیل تمام دستگاه‌های دولتی است؛ و این در وقتی که عمل شود، دنیا خواهد دید که چیست» (همان، ج ۴، ص ۳۵۴).

۲- خانواده

کانون خانواده، نخستین و مؤثرترین مرکز تربیتی است و آن اندازه که کودک از محیط خانه و اعضای خانواده تأثیر می‌پذیرد، به ندرت از جاهای دیگر اثر می‌پذیرد و می‌توان گفت شخصیت آینده فرد و شاکله افراد، در خانواده شکل می‌گیرد و به خصوص پدر و مادر نقش اول را در تکوین شخصیت و تربیت فرد ایفا می‌کنند. (الهامی‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۹۵).

با توجه به چنین اهمیتی، امام خمینی (ره) در بسیاری از موارد، خانواده را به نقش ارزنده و منحصر به فردشان آگاه می‌ساخت و مسئولیت خطیرشان را در تهذیب و تربیت فرزندان گوشزد می‌کرد و معتقد بود که با تربیت صحیح فرزندان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود: «نقش خانواده و خصوصاً مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان، بسیار حساس است و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح، تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسان‌تر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۵).

البته باید به این نکته توجه کرد که مادران با توجه به جایگاهشان نقش اساسی‌تری نسبت به تربیت فرزندان دارند. چرا که این مادران هستند که کودکان را در دامن خود پرورش می‌دهند و می‌توانند درس آزادگی و آزاد زیستن را به گوش آنان نجوا کنند. امام در تبیین نقش مادر به عنوان یک عامل تربیتی فرموده‌اند: «در دامن مادر، بچه‌ها بهتر تربیت می‌شوند تا در پیش استاد. آن علاقه‌ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد و آن چیزی که در بچگی از مادر می‌شنود در قلبش نقش می‌بندد و تا آخر همراهش است... آن قدری

که بچه از مادر چیز می‌شنود... از پدر نمی‌شنود؛ آن قدری که اخلاق مادر تأثیر دارد در بچه کوچولوی نارس و به او منتقل می‌شود از دیگران نمی‌شود. مادرها مبدأ خیراتند...» (همان، ج ۹، ص ۱۳۶).

نهاد خانواده در ایجاد حس آزادی‌خواهی در کودکان و نوجوانان و جوانان بسیار مؤثر است. به نظر من می‌توان از همان دوران طفولیت، با همان زبان ساده بچگی، به کودکان آموخت که آزاد بودن و آزاد زندگی کردن یعنی چه؟

برای ایجاد حس آزادی‌خواهی، بایستی از همان دوران کودکی، اعتماد به نفس را در آنان ایجاد کرد؛ البته با انتخاب یک شیوه تربیتی مناسب. خانواده‌ها باید به فرزندان خود بیاموزند که همه چیز دارند و نیاز به غیر ندارند، نیازی نیست که زیر سلطه غیر بروند. آنان باید بیاموزند که روی پای خود بایستند و مستقل باشند و وابسته به دیگری نباشند. آنان باید بفهمند که سلطه اجانب غیر از اسارت چیزی دیگری برایشان نخواهد داشت. امام می‌فرماید: «ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ‌کس کم نداریم...» (همان، ج ۱۵، ص ۳۱۰). و نیز می‌فرماید: «فکر این باشیم که خودمان شخصیت پیدا بکنیم.» (همان، ج ۸، ص ۷۹) و نیز امام بر این باور است که اگر وابستگی‌ها را از خود دور کنیم می‌توانیم مستقل و آزاد باشیم (همان، ج ۱۰، ص ۳۷۳). بنابراین با توجه به بیانات امام (ره)، خانواده‌ها می‌بایست فرزندان خود را افرادی با شخصیت، مستقل و با اعتماد به نفس کامل تربیت کنند تا هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی آزادی خود را از دست ندهند و زیر سلطه اجانب نروند.

در مباحث قبل ذکر کردیم که یکی از موانع آزادی، تعلقات درونی و مذهب نبودن است. و از آنجایی که بچه همه چیزش در مادر خلاصه می‌شود و بچه از تمام حرکات، رفتار و اخلاق مادر تقلید می‌کند، بنابراین مادران عزیز باید خود را مذهب کنند و تقوا پیشه کنند. اگر چنین شود یقیناً بچه‌هایی که در دامن چنین مادرانی پرورش می‌یابند انسان‌های آزاده، مستقل و با ایمان خواهند بود که می‌توانند مسیر درست زندگی را انتخاب کنند و هیچ‌گاه زیر سلطه اجانب نروند و همواره برای رسیدن به آزادی حقیقی از جان شیرین خود دست کشند و جانشان را فدای آزادی ملت و کشور خود کنند. و مردم مسلمان ایران اسلامی در طی پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین در طول هشت سال دفاع مقدس این مسئله را تجربه کرده‌اند که از دامن مادران باتقوا و پرهیزگار فرزندان هم‌چون «حسین فهمیده» تربیت شد که با آگاهی کامل و با عشق به معبودش و برای آزادی ملت و کشور خود، جان شیرینش را فدا کرد.

امام خطاب به خانواده‌ها، می‌فرماید:

«اسلام از شما این معنا را می‌خواهد که بچه‌های خودتان را در دامن‌های خودتان مذهب کنید و دامن خودتان را منور کنید به نور این بچه‌های اسلامی که این‌ها فرزندان اسلامند و بعد از این، مقدرات اسلام و مملکت خودتان به دست آنهاست» (همان، ج ۷، ص ۲۳۹).

و نیز: «بانوان هم باید معلم باشند برای فرزندان خود، در دامن خود مثل استادان، مثل معلمان تربیت کنند. پدران باید معلم باشند از برای فرزندان خود؛ خانواده شما باید مدرسه باشد، تعلیم احکام اسلام، تهذیب

اخلاق نونهالان. شما باید نونهالان مهذب تحویل معلمان بدهید و معلمان باید آنها را بیش‌تر تهذیب کنند.» (همان، ص ۱۶۲).

۳- تعلیم و تربیت

انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خود و برای رسیدن به یک زندگی سعادت‌مند و آزاد نیازمند تربیت هستند. در واقع می‌توان گفت که هیچ موجودی همچون انسان این‌قدر محتاج تربیت نیست. امام (ره)، در این باره می‌فرماید: «آن‌قدر که این انسان، این حیوان دو پا، در عالم فتنه و فساد می‌کند هیچ موجود دیگری نمی‌کند؛ و آن‌قدری که این حیوان دو پا محتاج به تربیت است هیچ حیوانی محتاج نیست.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۰). امام در سخنان خود همواره بر مسئله تربیت، آن هم تربیت صحیح، تأکید داشتند. ایشان معتقد بودند که مدرسه و دانشگاه نباید صرفاً طوری باشد که به کودکان و نوجوانان و جوانان ما علم بیاموزد بلکه بایستی تربیت هم بشوند.

«تربیت کنید! مهم تربیت است، علم تنها فایده ندارد، علم تنها مضر است.» (همان، ج ۱۴، ص ۴۰).
 نهادهای آموزشی کشور از جمله مدرسه و دانشگاه می‌بایست جوانان را طوری آموزش و پرورش دهند که حس استقلال‌خواهی و آزادی‌طلبی در وجود آنها ریشه دواند. چرا که آینده کشور و استقلال و آزادی یک کشور منوط به تربیت صحیح جوانان می‌باشد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:
 «دستگاه‌های آموزشی متعهد و دلسوز برای نجات کشور، اهمیت ویژه‌ای در حفظ نوپایان و جوانان عزیزی که استقلال و آزادی کشور در آینده منوط به تربیت صحیح آنان است، قائل باشند.» (همان، ج ۱۵، ص ۲۴۵).
 حضرت امام خمینی (ره)، خطاب به مجلس و ملت می‌فرماید: «مجلس و ملت و متفکران متعهد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس، از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرند، و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند.» (همان، ج ۱۷، ص ۳۲۳).

در مورد امر تعلیم و تربیت نباید سهل‌انگاری شود. چرا که به نظر این‌جانب در صورت مسامحه در تعلیم و تربیت فرزندان ما اعم از کودک، نوجوان و جوان، کم‌کم دچار بی‌هویتی می‌شوند و استقلال فرهنگی خود را از دست می‌دهند و وقتی استقلال فرهنگی از بین برود در پی آن وابستگی اقتصادی، سیاسی و... به وجود خواهد آمد و در نتیجه کشور آزادی و استقلال خود را از دست می‌دهد. امام می‌فرماید:
 «مسامحه و سهل‌انگاری در تعلیم و تربیت، خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می‌باشد و باید از آن احتراز کرد.» (همان، ج ۱۷، ص ۳).

امام بر این باور بود که اگر بخواهیم به آزادی برسیم باید فرهنگ اصلاح شود. مسئله فرهنگ در هر جامعه‌ای بسیار مهم است و باید به آن توجه کرد. از نظر امام اهمیت فرهنگ، نخست به دلیل جایگاهی است که در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگر به سبب نقشی است که در پیشرفت یا انحطاط جوامع ایفا می‌کند. در رابطه با جنبه اول «بی‌شک بالاترین، والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی

دارد، فرهنگ آن جامعه است اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد... استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد» (همان، ج ۱۵، ص ۲۴۳).

در رابطه با بُعد دوم، امام (ره) می‌فرماید: «فرهنگ، مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است» (همان، ج ۳، ص ۳۰۶). و «فرهنگ... بزرگترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد.» (همان، ج ۷، ص ۴۷۳).

امام می‌فرماید: «ملت عزیز ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان اگر بخواهند از دام‌های شیطنت‌آمیز قدرت‌های بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند چاره‌ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند. و این میسر نیست جز با دست اساتید و معلمان متعهدی که در دبستان‌ها تا دانشگاه‌ها راه یافته‌اند» (همان، ج ۱۵، ص ۴۴۷).

ما برای این‌که به آزادی و استقلال برسیم بایستی استقلال فرهنگی داشته باشیم و باید فرهنگ استعماری را از بین برده و به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنیم و امام از معلمان می‌خواهد که فرزندان را در کلاس‌های درس طوری تربیت کنند که بدانند هرچه بدبختی هست و هرچه وابستگی هست همه از ابرقدرت‌های شرق و غرب و شرق‌زدگی و غرب‌زدگی است. «ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم که استقلال فرهنگی پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است. استادان عزیز باید خود این اعتقاد را بیابند که تنها فرهنگ ایران اسلامی است که نجات‌بخش کشور و ملت ما می‌باشد. معلمان عزیز خود بهتر می‌دانند که فرهنگ استعماری در زمان این پسر و پدر چه به روز این کشور و ملت آورده است. به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنید و مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست. فرزندان عزیزتان را در سر کلاس‌ها به صورتی تربیت نمایید که وقتی فارغ التحصیل می‌شوند جوانان برومندی تحویل جامعه گردند که با تمام وجود معتقد باشند که آنچه بدبختی داشتند از ابرقدرت‌های شرق و غرب و شرق‌زدگی و غرب‌زدگی است» (همان، ج ۱۷، ص ۲).

امام (ره)، شکوفایی، سرافرازی و استقلال و آزادی مملکت را در سایه تربیت صحیح شهروندان می‌داند و می‌فرماید: «مهار کنید نفس خودتان را؛ اگر یک همچو تعلیم و تربیتی در یک کشوری باشد، این کشور می‌تواند مستقل باشد، می‌تواند آزاد باشد، اقتصادش را می‌تواند تأمین کند می‌تواند فرهنگش را درست کند و می‌تواند همه چیزش را اصلاح کند...» (همان، ج ۹، ص ۳).

امام معتقد است که کتاب‌های درسی باید طوری تدوین شود که جوانان را آزاده و مستقل بار آورد؛ ایشان در این باره می‌فرماید: «کتاب‌های درسی را چه دبستانی و چه دبیرستانی و چه دانشگاهی تغییر اساسی داده و آنچه از عکس و مطالبی که به نفع استعمار و استبداد است تصفیه کنید و دروس انقلابی و اسلامی که بچه‌های ما را بیدار و جوانان ما را مستقل و آزاده بار آورد جایگزین آن کنیم.» (همان، ج ۶، ص ۱۹۴). امام خطاب به اساتید محترم دانشگاه‌ها می‌گوید که اگر بخواهیم به آزادی و استقلال برسیم بایستی جوانان را خودباور بار بیاوریم و باید تعلیم همراه تربیت باشد. جملاتی در این زمینه از امام نقل می‌کنیم: «اگر شما آقایان [اساتید] و همه ملت ما بخواهند استقلال خودشان را، (و می‌خواهند) بخواهند آزادی خودشان را، ... باید اول افکارشان را آزاد کنند، افکار ما الآن در قید و بند است حالا هم هست... شماهایی که در دانشگاه هستید و دانشمند هستید و متفکر هستید، این جوان‌های ما را یک جوری بار بیاورید که خودشان بفهمند که خودشان یک

چیزی اند، نگویند که ما باید گیر غرب باشیم... شرقی باشند، اگر از غرب هم صنعتی می‌آید، یاد بگیرند اما غربی نشوند.» (همان، ج ۱۲، ص ۲۵). «دانشگاه‌ها را تربیت بکنید، دانشگاهی‌ها تربیت بکنند، این دانش‌آموزها را، این‌ها قابل تربیت‌اند، اگر تربیتشان کردید درست حسابی، می‌تواند اداره کنند، شما بعدها باید این مملکت را با این جوان‌ها اداره بکنید، بخواهید مستقل باشید و انشاءالله همه می‌خواهید آزاد باشید و همه می‌خواهید. باید شماهایی که اهل دانشگاه و تربیت و اهل تعلیم هستید، جوان‌ها را تربیت کنید و تعلیم. همراه تعلیم، تربیت باشد.» (همان، ص ۲۸). «هرچه از خوبی‌ها و بدی‌ها برای یک ملتی تحقق پیدا می‌کند، وابستگی یا استقلال، در قید و بند بودن و اختناق یا آزادی، تابع تربیت‌های دانشگاهی است» (همان، ج ۱۷، ص ۱۱۱).

از دیگر نهادهای اجتماعی که در تعلیم و تربیت افراد نقش مؤثری دارد و می‌تواند افراد جامعه را آزرده طلب بار بیاورد، رسانه‌های گروهی از جمله رادیو و تلویزیون می‌باشد. امام خمینی (ره)، پیرامون نقش تربیتی صدا و سیما می‌فرمود: «اهمیت رادیو و تلویزیون بیش‌تر از همه است؛ این دستگاه‌ها، دستگاه‌های تربیتی است، باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند. یک دانشگاه عمومی است... یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است... باید این دستگاه، دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد... تمام این‌ها را مستقل بار بیاورد. آزادمش بار بیاورد. از غرب‌زدگی بیرون کند، استقلال به مردم بدهد.» (همان، ج ۶، ص ۳۹۹).

رسانه‌های گروهی از جمله رادیو و تلویزیون می‌توانند نقش تربیتی خوبی داشته باشند و از طریق پخش برنامه‌های سالم و سازنده و برنامه‌هایی که روح استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی را در افراد جامعه می‌توانند ایجاد کنند.

امام می‌فرمایند: «رسانه‌های گروهی به‌ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمات‌های گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلامی و ایران نمایند. بنگاه‌هایی که شب و روز، ملت در سراسر کشور با آن‌ها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صدا و سیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم‌ها و هنرهای آموزنده باید همت گمارند و بیش‌تر کار کنند و از گرداندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه، وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند.» (همان، ج ۱۹، ص ۱۵۹).

۴- دین

یکی دیگر از راه‌های تأمین آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره)، دین اسلام می‌باشد. دین اسلام، یک دین کامل و جامع است و برای تمام زوایای زندگی بشر دستوراتی دارد که اگر انسان‌ها به این آموزه‌ها و دستورات توجه کرده و آن‌ها را در زندگی خود پیاده کنند، به‌طور قطع به سعادت دنیوی و اخروی خواهند رسید. از جمله مسائلی که دین اسلام به آن توجه کرده، آزادی انسان‌ها است. حضرت امام (ره) بر این باور است که انسان‌ها با دین اسلام می‌توانند آزاد باشند و در واقع اسلام است که برای ما آزادی آورده است. امام معتقد

است که: توجه و ایمان به خدا باعث می‌شود که تمام تاریکی‌ها از پیش پای مؤمنان برداشته شود و آنان از تمام انواع ظلمات، استبداد، اختناق، وابستگی به غیر و ظلم نجات پیدا کنند و وارد در نور آزادی شوند. (همان، ج ۷، ص ۱۳۵).

از نظر ایشان آزادی، از بنیادهای دین اسلام است؛ چنان‌که می‌فرمایند:
 «یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است. انسان واقعی ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است.» (همان، ج ۴، ص ۲۴۲).

و نیز می‌فرمایند: «شما بدانید که با اسلام می‌توانید مستقل باشید و با اسلام می‌توانید آزاد باشید. قرآن شما را آزاد قرار داده است و قرآن استقلال شما را بیمه کرده است» (همان، ج ۷، ص ۲۴). «اسلام است که برای ما آزادی، یک آزادی سالم، آزادی صحیح تأمین می‌کند.» (همان، ص ۵۴۲). «شما اگر چنان‌چه به احکام اسلام اعتقاد دارید، این احکام اسلام، اسلام انسان را آزاد خلق کرده است و انسان را مسلط بر خودش و بر مالش و بر جانش و بر نوامیسش خلق فرموده است...» (همان، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷).

از نظر امام، در سایه دین اسلام است که آزادی انسان می‌تواند تأمین و حفظ شود: «اسلام دین آزادی و استقلال است، اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند.» (همان، ج ۶، ص ۵۲۶). «اسلام مکتب تحمیل نیست، اسلام آزادی را به تمام ابعادش ترویج کرده است...» (همان، ج ۱۱، ص ۱۵۷).

و همچنین امام می‌فرماید: «اسلام مکتبی است که انسان‌ها را به گونه‌ای می‌سازد که به جز حق و مبدأ خلق به هیچ مکتبی تسلیم نشوند و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نگردند و مسئله کشور خود را با هیچ انگیزه‌ای از دست ندهند و از استقلال و آزادی خویش و سایر بندگان خدا بی‌هیچ طمع و خوفی دفاع کنند.» (همان، ج ۱۵، ص ۴۴۷).

جمع بندی

آنچه گذشت، کوششی برای دستیابی به مفهوم آزادی از دیدگاه امام و بیان کردن نقش برخی از نهادها در تأمین و حفظ آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره) بود. تلاش کردیم به دو پرسش اصلی مقاله پاسخ دهیم. روشن شد که اولاً، می‌توان با بهره‌گیری از یک مدل نظری خاص به تحلیل مفهوم آزادی از دیدگاه امام پرداخت. ثانیاً، با توجه به آثار و بیانات امام برخی از نهادها در تأمین و حفظ آزادی نقش دارند؛ همان‌طوری که اشاره شد، هدف از این پژوهش مختصر، تبیین مفهوم آزادی و نیز بهره‌گیری از مدل نظری برای مطالعه منظم و روشمند و در نتیجه فهم بهتر مفهوم آزادی از دیدگاه امام و در ادامه نقش برخی از نهادها در تأمین و حفظ آزادی بود.

در این راستا ابتدا با استفاده از مدل نظری خاصی که مفهوم آزادی را به سه مؤلفه فاعل، مانع و هدف تحلیل می‌کرد، به تحلیل مفهوم آزادی از دیدگاه امام پرداخته شد. مباحث گذشته نشان داد که از دیدگاه امام، «انسان» با توجه به ویژگی‌های خاصی که گذشت، فاعل آزادی است، «سلطه غیر»، «هرج و مرج» و «استبداد»،

«تعلقات درونی»، «عدم خودکفایی» و «بی‌عدالتی» مهم‌ترین موانع آزادی و «رشد انسان»، «عدالت» و «قرب الی الله» از جمله اهداف آزادی می‌باشند. در نتیجه می‌توان به این تعریف آزادی از دیدگاه امام اشاره کرد که: «انسان» از «سلطه غیر»، «امیال و هواهای نفسانی» و «بی‌عدالتی» برای رسیدن به «رشد و تکامل و قرب الی الله» آزاد و رهاست.

در نهایت اگر بخواهیم یک نتیجه‌گیری تجویزی نیز از این پژوهش براساس دیدگاه امام، ارائه دهیم می‌توان گفت: از دیدگاه امام، انسان برای رسیدن به رشد و تکامل باید از دخالت و سلطه انسان‌های دیگر، امیال و هواهای نفسانی و بی‌عدالتی آزاد و رها باشد. انسان واقعی و آرمانی از دیدگاه امام انسانی است که دارای چنین وصف آزادی است.

در ادامه، تلاش کردیم نقش برخی از نهادها را در تأمین و حفظ آزادی بیان کنیم. نهادهایی مانند: حکومت (البته حکومتی می‌تواند آزادی‌های مشروع و قانونی افراد جامعه را تأمین و حفظ کند که حکومتی قانونگرا، عدالت‌محور و... باشد).

دومین نهادی که مورد بررسی قرار گرفت، نهاد خانواده است. نهاد خانواده، نخستین و مؤثرترین مرکز تربیتی است. خانواده‌ها برای ایجاد حس آزادی‌خواهی فرزندان بایستی از همان دوران طفولیت، اعتماد به نفس را در آنان ایجاد و تقویت کنند و آنان را افرادی مذهب و با ایمان و مستقل بار بیاورند، در این صورت است که آنان هیچ‌گاه زیر سلطه اجانب نخواهند رفت و در راه آزادی ملت و کشور خود حتی جان شیرین خود را فدا می‌کنند. سومین نهادی که بررسی کردیم، تعلیم و تربیت است، که در این قسمت نقش نهادهایی چون مدرسه، دانشگاه، و صدا و سیما در ایجاد روحیه آزادی‌طلبی و استقلال‌خواهی بررسی کردیم. در مجموع می‌توان گفت که کودکان و جوانان باید از طریق مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های گروهی بیاموزند که آزادند و در عین حال یاد بگیرند و تکرار و تمرین کنند که آزادی را حداقل یک‌بار در دوران تحصیل در جامعه با نظارت مربیان، معلمان و اساتید تجربه کنند. برای تحقق آزادی سیاسی، تجمعات قانونی را تمرین کنند و خواسته‌های خود را در قالب و تشکیلات دانش‌آموزی و دانشجویی تعقیب نمایند. البته اگر مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های گروهی و به‌طور کلی همه عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت در راستای هم و به صورت مکمل در یک برنامه عمل کنند، محصول آن تقویت روحیه آزادی‌طلبی و تولید فرهنگ در این راستا خواهد بود.

چهارمین نهاد، نهاد دین بود که مورد بررسی قرار دادیم؛ امام خمینی بر این باور است که دین اسلام، یک دین کامل و جامع است و برای تمام زوایای زندگی بشر دستوراتی دارد. از جمله مسائلی که دین اسلام به آن توجه کرده، آزادی انسان‌ها است. و با دین اسلام است که انسان‌ها می‌توانند به آزادی حقیقی دست یابند. دین اسلام، برای نهادهایی چون خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت دستوراتی دارد که اگر این نهادها به این دستورات و آموزه‌های دینی توجه کنند و آن‌ها را به کارگیرند، مطمئناً این نهادها می‌توانند در ایجاد و حفظ آزادی‌های مشروع مؤثر باشند.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- الهامی‌نیا، علی اصغر، (۱۳۸۱)، سیره اخلاقی - تربیتی امام خمینی، تهران، انتشارات تحسین، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- اخلاقی، مرضیه و شریعتمداری، شایسته (گردآورنده)، (۱۳۸۵)، انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- تیممی، رقیه، (۱۳۸۶)، بررسی مفهوم آزادی و قانون در اندیشه امام خمینی، جان لاک، منتسکیو، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- پهلوان، عاطفه، (۱۳۷۹)، آزادی و دموکراسی در اندیشه امام خمینی، تهران، انتشارات ذکر.
- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۵)، اندیشه سیاسی امام خمینی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- خمینی (امام)، روح الله، (۱۳۸۲)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، چاپ بیست و هشتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام)، روح الله، (۱۳۸۵)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، چاپ سیزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شریعتمدار جزائری، نورالدین، (۱۳۸۰)، «آزادی و عدالت در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵.
- صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طباطبایی مومنی، منوچهر، (۱۳۷۰)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران.
- قاضی زاده، کاظم، (۱۳۸۵)، مردم سالاری دینی، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- قاضی زاده، کاظم، (۱۳۷۷)، اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- میراحمدی، منصور، (۱۳۸۱)، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- میراحمدی، منصور، (۱۳۸۰)، «مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۵.
- واسعی، علیرضا، (۱۳۷۹)، «سیاست و حکومت در رویکرد امام به سیره پیامبر»، حوزه، شماره ۹۸.